

بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی سیاسی دانلد ترامپ

سعید اسلامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

«گوینده همین‌که زبان باز کرد، خود را عامی کرده است». اندرزی برای کرو لالان و دیگر فیلسوفان

نیچه، غروب بت‌ها؛ پیوندگی‌های مرد نابه‌هنگام، قطعه ۲۶

چکیده

این پژوهش، تلاش دارد با تمرکز بر متن سخنرانی افتتاحیه‌ی ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ و برخی از توئیت‌های مهم دانلد ترامپ تا ژوئن ۲۰۱۸، مقارن با ملاقات و توافق با رهبر کره شمالی، با استفاده از روش‌شناسی ترکیبی تفسیری، متکی بر روش تحلیل محتوا و تحلیل گفتمانی در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین، به این سؤال پاسخ دهد که «زبان‌شناسی سیاسی دانلد ترامپ، واجد چه استعاره‌هایی است؟ همچنین، این استعاره‌ها از حیث شکل، محتوی، سنت تاریخی، نحوه‌ی کاربرد و مکانیزم‌های زبانی، چگونه قابل تحلیل و تفسیرند و در سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده، به عنوان جوامع مخاطب، چه بازتاب‌های احتمالی در پی داشته و خواهند داشت؟» در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ی این پژوهش چنین است که «استعاره‌های ترامپ با بهره‌گرفتن از محتوای تفکر محافظه‌کاری کلاسیک، در قامت پدر سخت‌گیر، جهت‌دار، تقابلی و ساختاری است. از حیث نوع، استعاره‌ها، ترکیبی و آنافوریک با کاربرد زبان خصوصی در حوزه عمومی هستند. از حیث شکلی، غیریت‌سازانه و دوقطبی و بازتاب آن در سیاست داخلی، ملی‌گرایی تهاجمی با وجهه‌ی ناسیونالیسم اقتصادی است. در سیاست خارجی، مغایر با جهانی‌شدن، سخت‌افزاری، اقتصادمحور و از حیث تأثیر بر جوامع مخاطب، متکی بر استعاره‌های نگران‌کننده و نوستالژیک، قابل تحلیل و تفسیر به نظر می‌رسد». لذا به لحاظ دامنه‌ی تأثیرات داخلی و بین‌المللی این زبان استعاری، همچنین افزایش تنش زبانی میان ایران و ایالات متحده در سال ۲۰۱۸، اهمیت بررسی و پژوهش را داراست.

صفحات: ۱۲-۳۹

شماره شاپا: 1735-739X

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد، واحد چالوس، ایران.

saeedeslamee1344

@gmail.com

واژگان کلیدی: استعاره، سیاست، گفتمان سیاسی، استراتژی زبانی، دانلد ترامپ،

آنافوریک.

The Study of the Role of Metaphors in the Political Linguistics of Donald Trump

Eslamee, Saeed *

Abstract

This Research is trying to focus on Donald Trump's inaugural speech of January 20, 2017, and some of his Twitter messages until June 2018, while meeting and agreeing with the North Korean leader. This study, based on the combined interpretation methodology, relies on content analysis and Discourse analysis at the levels of description, interpretation, and explanation and answers this question: What metaphors have there been in the political linguistics of Donald Trump? Also, how can these metaphors, in terms of form, content, historical tradition, the way they use and language mechanisms, be analyzed and interpreted by the United States foreign and interior policy, as audience communities? In response to the research's question, the hypothesis of this study is that Trump's metaphors take advantage of the content of classical conservatism thought, as the strict father, oriented, contradictory and structural. Regarding the type of metaphors, «combined and anaphoric, with the use of the private sphere language in the public domain.» For the form of metaphors: differentiator and bipolar, and its reflection in interior policy is an aggressive nationalism with the image of economic nationalism. In foreign policy is inconsistent with globalization, hardware, economics, and because of the impact of audience on communities, relying on disturbing and nostalgic metaphors. Therefore, in view of the extent of the domestic and international influences of this metaphorical language, as well as the increase of linguistic tension between Iran and the United States in 2018, it is considered important to study and research.

Key words: Metaphor, Politics, Political Discourse, Language Strategy, Donald Trump, Anaphoric.

* Assistant Professor of Political Science at Azad Islamic University, Branch of Chalous, Iran.

مقدمه

استعاره^۱ عبارت است از توصیف یک شخص یا یک شیء به چیزی که به نظر می‌رسد دارای ویژگی‌های مشابه با آن فرد یا شیء باشد. همچون این گزاره که ذهن اقیانوس است و شهر همچون جنگل. در این گزاره، تشبیه ذهن به اقیانوس و شهر به جنگل حاکی از ساخت استعاری جمله است. یا به عنوان مثال، وقتی که می‌خواهید فرد ترسو را توصیف کنید، از واژه‌ی موش استفاده می‌کنید.^۲

هر استعاره همیشه دو وجه دارد. چیزی که باید توضیح داده شود که آن را مستعار له می‌گوییم و وجه دوم شیء، چیزی یا رابطه‌ای که برای توضیح موضوع به کار گرفته می‌شود، مستعار منه نامیده می‌شود. استعاره همیشه دارای مستعار منه شناخته شده‌ای است که بر مستعار له کمتر شناخته شده‌ای عمل می‌کند (جینز، ۱۳۸۰: ۷۲). در زبان فارسی، استعاره بر پایه‌ی دو صنعت ادبی شناخته می‌شود. یکی مجاز و دیگری تشبیه. لذا برخی استعاره را نتیجه‌ی آمیختن مجاز با تشبیه می‌دانند. از تعریف ارسطو و سایر زبان‌شناسان معلوم می‌شود که استعاره انتقال نامحدود یک لغت از یک زمینه به زمینه دیگر و بهترین راه انتقال آن قیاس است. در زبان انگلیسی هم استعاره در مجاز ریشه دارد. زبان‌شناسان غربی عقیده دارند که بسیاری از واژگانی که امروز در زبان کاربرد دارند، به وسیله استعاره ساخته شده‌اند. به عنوان مثال واژه‌ی موش^۳ امروزه وسیله‌ای است که در کامپیوتر کاربرد دارد. این نام‌گذاری تنها به کمک استعاره به وجود آمده است. نوع دیگری از استعاره روی کلمات مرده تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را با مفهوم تازه‌ای زنده می‌کند؛ مثلاً کلمه مانی^۴ یا پول که ریشه‌ی آن در تاریخ به معبدی به نام *مونتانا جونز*^۵ برمی‌گردد که اولین بار پول در آنجا ضرب شده است. لذا امروز وقتی کلمه مانی یا پول را می‌شنویم هرگز به یاد معبد مزبور نمی‌افتیم. از این منظر شگفت‌آورترین خصوصیت زبان، توانایی آن در ساختن استعاره است. بنابراین، استعاره صرفاً نوعی ترفند زبانی نیست که عموماً در کتاب‌های درسی قدیمی ادبیات و انشا مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است، بلکه استعاره شالوده‌ی بسیار ضروری زبان است (جینز، ۱۳۸۰: ۷۰).

استعاره از حیث تنوع در زبان، خاصه در زبان انگلیسی، دارای ۱۳ گونه است: استعاره مطلق^۶؛ استعاره‌ی فعال؛ استعاره پیچیده؛ استعاره نیمه‌مرده؛ استعاره پوشیده یا مستتر؛

- 1 Metaphor
- 2 CAMBRIDGE DICTIONARY.ORG
- 3 Mouse
- 4 Money
- 5 Montana Jonse
- 6 Absoulout metaphor

استعاره غوطه‌ور؛ استعاره ساده؛ استعاره مرکب؛ استعاره حماسی؛ استعاره مرده؛ استعاره (مجاز) مرسل؛ استعاره ضمنی؛ استعاره گسترده^۱.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی و مطالعات این پژوهش حکایت از آن دارد که تاکنون اثر مستقل و جدیدی پیرامون این پژوهش، یعنی «بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی سیاسی داند ترامپ»، به‌ویژه در زبان فارسی وجود ندارد. گرچه تألیفاتی عام در باب استعاره همچون «استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟» (کوچش، ۱۳۹۵)؛ «استعاره و ایجاد معانی جدید در زبان» ترجمه‌ی اثر پل ریکور (۱۳۹۶) - که استدلال می‌کند استعاره‌ها از تنش میان دو لغت به وجود می‌آیند - «بررسی نقش استعاره‌ها در تحلیل انتقادی کلام»، نوشته‌ی شیرین ابراهیمی (۱۳۹۵)؛ «بررسی انتقادی - شناختی استعاره در گفتمان سیاسی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی نوشته‌ی جهانگیری و فتاحی (۱۳۹۰) و همچنین «نقش استعاره در فرو کاستن انسان به مثابه ماشین» (فاضلی، ۱۳۹۲) به چشم می‌خورد؛ لیکن در تدوین این پژوهش، از ادبیات و متون متنوع در زبان لاتین از جمله این آثار استفاده شده است: «نقش استعاره‌ها در شناخت جهان و ساختن جهان ما» در اندیشه فردریک نیچه^۲ (نیچه، ۱۳۹۰)، «استعاره و نظریه‌ی شناختی زبان پاول کمبل (Campbell, 1957)، «سیاست بدون استعاره همچون ماهی بدون آب» (Tompson, 1997)، «کاربرد استعاره‌ها در گفتمان‌های سیاسی به‌عنوان استراتژی تولید معانی» (لیکاف، ۱۹۸۷، ۲۰۰۴، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸) در کتاب *فلسفه جسمانی* (Lakoff and Joanson, 1999)، «تفکر خلاق و یکپارچه در نزد چامسکی» (Chomsky, 2011)، «فریب شهروندان، ساده کردن سیاست» (هریس بلک، جانسون، ۱۹۸۰، چیلتون، ۱۹۸۵، مایو، ۲۰۰۵، ۲۰۰۴، ۱۹۹۷، کارور و پیکالو، ۲۰۰۷، و سمینو، ۲۰۰۸) و شناخت ذهن از طریق زبان اثر گری نان (Nuann, 2018). اما تأثیر آثار جرج لیکاف، خاصه نظریه‌ی شناختی و استعاره‌ی مفهومی این متفکر و نظریه‌پرداز آمریکایی در کتاب مشترک وی با جانسون تحت عنوان «فلسفه جسمانی»^۳ در سال ۱۹۹۹ و کتاب «فکر نکنید یک فیل هستید»^۴ (۲۰۰۴) و «استعاره‌هایی که جهان را شکل می‌دهند» در سال ۱۹۸۷، از هر پژوهش دیگری بر این پژوهش غیرقابل انکارتر به نظر می‌رسد.

1 Mind Chang Org
2 Nitzche
3 Philosophy in the flesh
4 Don't think an elephant

۲. چارچوب نظري

ليکاف و جانسون جزو اولين کسانو بودند که استعاره را از نگاهی نو تحت عنوان نظريه‌ی استعاره‌ی مفهومی^۱ مورد بررسی قرار دادند. اين دو در کتاب «استعاره‌هایی که ما با آن زندگی می‌کنیم» در سال ۱۹۸۰ استعاره‌های مفهومی را به سه دسته اصلی تقسیم‌بندی کردند: ۱. استعاره‌های جهتی^۲، ۲. استعاره‌های هستی‌شناختی^۳ و ۳. استعاره‌های ساختاری^۴. استعاره مفهومی در نگاه ليکاف و جانسون به عنوان «یک ایده» (یا حوزه مفهومی) به صورت دیگری درک می‌شود (کویست، ۲۰۱۷). ما معمولاً آن‌ها را از لحاظ تجربیات مشترک درک می‌کنیم، گرچه به آن‌ها توجه می‌شود، لیکن عمدتاً ناخودآگاه هستند و به‌کارگیری‌شان در شناخت تقریباً اتوماتیک است (Lakoff, 1980).

استعاره‌های جهتی (متقابل) استعاره‌هایی هستند که در آن‌ها مفاهیم به صورت فضایی به یکدیگر مرتبط می‌شوند؛ مانند این روش‌ها: بالا یا پایین / در داخل یا خارج / جلو یا عقب / روشن یا خاموش / عمیق یا کم‌عمق / مرکز یا حاشیه. ما از استعاره‌های هستی‌شناختی برای درک وقایع، اعمال، فعالیت‌ها و وضعیت‌ها استفاده می‌کنیم. استعاره‌های ساختاری از جمله استعاره‌هایی هستند که بیشترین کاربرد در زبان را دارا هستند. استعاره‌ی ساختاری به تجربیات پیچیده و بعضاً انتزاعی از شناخت ما بازمی‌گردند همانند این مثال که گفتگو یک جنگ است (مجادله یا جنگ لفظی). در این مثال، تلاش برای توضیح مفهوم انتزاعی بحث با کمک مفهوم جنگ همراه با کلمات معمولی، با کاربرد تکنیک برجسته‌سازی و پنهان‌سازی قابل درک به نظر می‌رسد (Lakoff & Janson, 1998). مفاهیم انتزاعی علمی نیز به کمک استعاره‌های ملموس خلق شده‌اند. در علم فیزیک ما از نیروی «شتاب» (فشار دادن، پا/گاز دادن)، «سکون» (در اصل آدم تنبل) و مقاومت میدان‌ها و امروزه از شگفتی (چارم^۵) سخن می‌گوییم. مفهوم قانون از واژه نوموس^۶ «یونانی به معنی واژه‌ای برای پی‌ریزی ساختمان گرفته شده است. ملزم بودن» به حکم قانون از واژه لاتین لیگیر به معنی با طناب بستن آمده است (جینز، ۱۳۸۰: ۷۰).

جرج ليکاف معتقد است که، معنای استعاری، ساختار درک و فهم انسان را شکل می‌دهد و تأثیرات آن ایدئولوژیک است (Billing, MC Millan, 2005: 477). در این صورت،

- 1 Conceptual metaphor theory
- 2 Orientation metaphor
- 3 Ontological metaphor
- 4 Structural metaphor
- 5 Charm
- 6 Nommos

بازنمایی معنای استعاری وظیفه تحلیل‌گفتمان است. ریکور (۱۹۸۷) معتقد بود که استعاره، دو بخش مفقوده‌ی متفاوت از بافت‌های متفاوت را در معنای ساده کنار هم قرار می‌دهد، بنابراین ما با انتقال ساده‌ی واژه‌ها سروکار نداریم، بلکه با تعامل بین افکار و بافت‌ها سروکار داریم؛ به عبارت دیگر، استعاره جایگزینی واژه به جای واژه‌ی دیگر نیست، بلکه نقش اصلی استعاره ارتباط بین دو بافت است (Chatris, 2004-Black). به تعبیر ریچارد رورتی، «به قول ما نومینالیست‌ها، وقتی کسی واژگان جدیدی را ابداع می‌کند، به واقع قلمرو امکان بسط می‌یابد، تا بدین وسیله مجموعه‌ای تازه از جهان را افشا کنیم (رورتی، ۱۹۹۹: ۱۲۷). از نگاه لیونتار^۱ حقایق موجودیتی زبانی دارند؛ یعنی در زبان ساخته می‌شوند نه بیرون از آن. از نظر رورتی، واژگان نهایی^۲ به این معناست که همه آدمیان حامل دسته‌ای از کلمات هستند که برای توجیه اعمال‌شان، باورهایشان و زندگی‌هایشان به کار می‌برند. این‌ها کلماتی هستند که ما با تدوین آن‌ها دوستان‌مان را ستایش و دشمنان‌مان را سرزنش، عمیق‌ترین تردیدهایمان، عالی‌ترین امیدهایمان و برنامه‌های بلندمدت‌مان را با آن می‌سازیم. آنها کلماتی هستند که ما در قالب‌شان گاهی به صورت آینده‌نگرانه، گاهی گذشته-گرایانه، داستان زندگی‌مان را روایت می‌کنیم (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۱). رورتی در ادامه می‌افزاید: بخش کوچکی از واژگان نهایی از اصطلاحات ظریف، سیال و فراگیر نظیر «حقیقی»، «خوب»، «حق» و «زیبا» ساخته شده است. بخش بزرگ‌تر واژگان نهایی حاوی اصطلاحات ضخیم‌تر، «سفت‌تر» و محدودتر است مانند: «مسیح»، «کلیسا»، «ملاک عمل‌های کاری»، «آراستگی»، «انقلاب»، «مترقی... به بیان رورتی، اصطلاحات محدودتر بیشترین تأثیر را دارا هستند (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۲). طبق این تفسیر از واژگان نهایی، هیچ راهی برای برون‌رفت از واژگانی که به کار می‌بریم، وجود ندارد؛ آن‌گونه که مسیحیت نمی‌توانست بدون یک بازی زبانی از «خدا»، رستگاری، روز داوری صحبت کند؛ درست همان‌طور که شطرنج بدون استفاده از واژگان «شاه» «رخ» یا «قلعه» ممکن نمی‌شود.

۳. روش پژوهش

روش‌شناسی پژوهش مبتنی بر ترکیبی است از تحلیل محتوای استعاره‌های عمومی^۳ در سیاست، ادبیات سیاسی داندل ترامپ، شامل جمع‌آوری نمونه‌هایی از استعارات شایع در سیاست و گفتمان سیاسی ایالات متحده آمریکا (توصیف)، تفسیر و تحلیل زبان استعاری

1 Leotard
2 Final words
3 PubliC Metaphor

ترامپ، ارتباط و عمومیت بخشی این استعارات زبانی به استعارات مفهومی مبتنی بر نظریه‌ی یکپارگی^{۱/} جانسون و تحلیل گفتمان، تفسیر، تعلیل و استفاده از نتایج حاصل از این پژوهش، به‌عنوان پیشنهاد الگوی فهم زبان‌شناسی سیاسی ترامپ درسیاست، خاصه در سیاست خارجه (تبیین).

۴. استعاره‌های شایع در سیاست

به‌طور معمول، این استعاره‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی مشترک است: ۱. استعاره‌های مربوط به قوه اجرایی^۲؛ ۲. استعاره‌های مربوط به قوه قانون‌گذاری^۳؛ ۳. استعاره‌های مربوط به انتخابات^۴ (این بخش از استعاره‌ها بیشترین استعاره‌های شایع در عرصه‌ی سیاست را به خود اختصاص داده است)؛ ۴. استعاره‌های مربوط به سیاست جهانی^۵. در این بخش به تعدادی از این استعاره‌های مشترک شایع در عرصه‌های سیاسی می‌پردازیم.

۴-۱. استعاره‌های مربوط به قوه‌ی اجرایی

(الف) استعاره‌ی «مرد خاکستری»^۶: این استعاره که خاستگاه فرانسوی دارد، ناظر بر شخصیت نزدیک به رئیس‌جمهور یا پادشاه است که دارای قدرت بالایی حتی بیشتر از پادشاه یا رئیس‌جمهور است.

(ب) رهبر یا رئیس‌پوشالی (فیگور هد)^۷: منظور از این استعاره ناظر بر پادشاه یا ریاست جمهوری است که فقط قدرت نمادین یا تشریفاتی دارد، همانند پادشاه در نظام‌های سلطنتی مشروطه.

(ج) حکومت عروسکی (پاپت‌گاورنمنت)^۸: دولتی که از سوی یک قدرت خارجی اداره یا هدایت می‌شود.

(د) استارچمبر^۹: یا شورای محرمانه یا گروهی در دولت صرف‌نظر از شکل ظاهری دولت که قدرت واقعی را در اختیار دارد.

- 1 Conceptrd metaphor
- 2 Executive metaphor
- 3 Legislation
- 4 Election
- 5 World Policymetaphor
- 6 Grey man
- 7 Figurehead
- 8 Puppet government
- 9 Star Chamber

۲-۴. استعاره‌های مربوط به قوه‌ی قانون‌گذاری

(الف) استعاره‌ی قانونی چک سفید: کنایه از سوء استفاده‌ی گسترده از قدرت است.

(ب) استعاره‌ی بند پدربزرگ^۱: این استعاره دلالت بر امتیازی دارد که اجازه می‌دهد یک بخش از قانون اعمال نگردد.

(ج) استعاره‌ی قرص‌های سمی^۲: ناظر بر یک بند، تبصره یا ماده‌ای از یک لایحه یا قانون است که اساس آن قانون را تضعیف یا بی‌اعتبار می‌سازد.

(د) استعاره‌ی استوانه‌ی گوشت خوک: استعاره‌ای نشانگر حمایت حکومت از گروه‌های ویژه و خاص است.

۳-۴. استعاره‌های انتخاباتی

این قبیل استعاره‌ها یا ناظر بر فضای عمومی انتخابات است و یا در فصل انتخابات به‌ویژه در انتخابات ریاست جمهوری ظاهر می‌شود؛ همانند ۱. استعاره‌ی ترور شخصیت^۳: معمولاً به انتشار روایت‌هایی است که با قصد نابود کردن شهرت یک نامزد و یا نامزدهای یک جریان سیاسی پرداخته می‌شود؛ ۲. اسب سیاه^۴ یا اسب خاکستری: ناظر بر نامزدی است که به‌طور عمده از سوی مخالفان نادیده گرفته می‌شود، لیکن دستاوردهای قابل توجهی به دست می‌آورد؛ ۳. گوسفند قربانی: نامزدی که هیچ شانس برای پیروز شدن در انتخابات ندارد، لیکن از سوی حزب نامزد می‌شود؛ ۴. نامزد روی کاغذ (پیپر کاندیدیت^۵): ناظر بر وضعیتی است که نامزدی تلاشی برای پیروز شدن نمی‌کند. در واقع کاندیدای روی کاغذ است.

۴-۴. استعاره‌های مربوط به سیاست جهانی

این استعاره‌ها اغلب با واژه‌ی قدرت ترکیب شده و کاربردهای مختلفی دارند. به عنوان مثال: ۱. قدرت سخت^۶: این استعاره دال بر کاربرد قدرت نظامی علیه دیگر کشورهاست؛ ۲. قدرت نرم^۷: استفاده از تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک علیه کشور دیگر است؛ ۳. استبداد نرم: هنگامی که یک کشور دموکراتیک از قدرت خود به نحوی استفاده کند تا قدرت

- | | |
|---|---------------------|
| 1 | Grand father Clause |
| 2 | Piocin Pill |
| 3 | Poison Pill |
| 4 | Black horse |
| 5 | Paper candidate |
| 6 | Hard Power |
| 7 | Soft tyrrani |

رای‌دهندگان را کاهش دهد؛ ۴. استعاره نان و سیرک: جلب رضایت فوری و غیراساسی مردم و یا چماق و هویج که کنایه از تبشیر و تنذیر دولت‌های دیگر است؛ ۵. استعاره‌ی اردک لنگ: ناظر بر سیاست‌مداری است که انتخابات را از دست داده و یا کسی که در دوره پایانی خدمت خود به سر می‌برد. با این استعاره‌های معدود گزینش شده در سیاست نشان می‌دهد که موقعیت استعاره در سیاست، تا چه اندازه استراتژیک است.

۵. استعاره‌های محوری در ادبیات ترامپ

استفاده از استعاره از سوی سیاست‌مردان به امری معمول مبدل شده است، لیکن شاید بتوان گفت که این موضوع در نزد داندل ترامپ ریاست جمهوری ایالات متحده از شدت بیشتری برخوردار است. از این جهت، فارغ از مطالبی که خانم کلینتون کاندیدای حزب دموکرات در کتابش تحت عنوان «چه گذشت^۱» یا چه اتفاقی افتاد که بعد از شکست در انتخابات در سال ۲۰۱۷ به رشته تحریر درآمد، به این فرض می‌توان خطر کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی داندل ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶، استفاده از زبان استعاری، بوده است. بدون این‌که نگارنده عوامل دیگری که خانم کلینتون در کتابش به آن اشاره کرده همچون هم‌جنسان خانم کلینتون (زنان رأی‌دهنده به ترامپ)، هم‌حزبی‌ها به‌ویژه سناتور دموکرات ساندرز، فرهنگ مردم‌محور آمریکایی و نقش روسیه را نادیده انگارد. از منظر دیگر، استعارات ترامپ ریشه در سنت‌های محافظه‌کارانه دارد. بنابراین ضروری است تا در مقایسه با ارزش‌های حزب دموکرات، استعاره‌ی مرکزی و همچنین استعاره‌های مهم ترامپ را در ارزش‌های حزب محافظه‌کار جستجو کنیم.

الف) اخلاق قدرت است^۲: محافظه‌کاران به درجه بالایی از ارزش‌های اخلاقی یاد می‌کنند به همین دلیل اعتقاد دارند که اخلاق قدرت است. از نظر محافظه‌کاران جهان به خیر و شر تقسیم شده و انسان اخلاقی باید شجاعت مواجهه با شرارت را داشته باشد. این قدرت اخلاقی از رهگذر نظم شخصی و خویش‌فراموشی ساخته خواهد شد. اخلاق قدرت در نزد محافظه‌کاران، تلاش برای محدودیت قدرت سیاسی جهت حفظ تعادل در جامعه و پرهیز از هرج و مرج است. (Kirk, 1987:11)

ب) محدودیت‌های اخلاقی و اقتدار اخلاقی: محدودیت‌های اخلاقی که از طریق مرزگذاری خیر و شر و پرهیز از ارزش‌های غیراخلاقی خطرناک برای جامعه میسر می‌گردد. اقتدار اخلاقی

1 H.Clinton(what Happend)
2 Morality is Power

به کمک استعاره پدر در قبال فرزندان آشکار می‌شود و به‌طریق اولی اطاعت از اقتدار اخلاقی در بین شهروندان اعم از مذهبی و سیاسی و غیره، تسری می‌یابد (لیکاف، ۱۹۹۵).

پ) ذات اخلاقی^۱: ذات یا جوهر اخلاقی ویژه‌ی یک انسان است. تصویر چنین جوهری در نزد جمهوری‌خواهان این عبارت است که: داشتن قلبی از طلا و اینکه بدانی چگونه ساخته‌شده است. در اندیشه محافظه، باور به نظم اخلاقی پایدار، پایداری طبیعت بشر ودائمی بودن حقایق اخلاقی جزو اصول اولیه به شمار می‌آید (Kirk, 1987: 1).

ت) سلامت اخلاقی^۲: اینکه چگونه می‌شود سلامت اخلاق را حفظ نمود و همچنین انسان‌های اخلاقی به‌عنوان انسان‌هایی پاک در نظر گرفته می‌شوند.

ث) داشتن انسجام و یکپارچگی اخلاقی: یک‌پارچگی اخلاقی پایه اساسی قدرت اخلاقی (اساساً قدرت) تلقی می‌شود و پاره شدن و گسیختگی این کل منسجم قدرت اخلاقی، قدرت را تضعیف می‌کند. در مقابل ارزش‌های اخلاقی محافظه‌کاران، ارزش‌های پایه‌ای لیبرال‌هاست که خانم کلینتون به‌عنوان یک سیاست‌مدار سنتی از حزب دموکرات آن را نمایندگی می‌کرد. این اصول عبارت‌اند از: الف) اخلاق به‌مثابه همدلی^۳: در این اصل همدلی، توانایی درک احساسات دیگران است. نوعی قاعده عمومی اخلاق که: «چنان‌کن آن‌گونه که انتظار داری با تو آن‌کنند»؛ ب) اخلاق به‌مثابه سرپرستی^۴: در این اصل جامعه به‌مثابه یک خانواده تلقی می‌شود و کمک به آن‌ها یک مسئولیت اخلاقی است؛ پ) اخلاقیات به‌مثابه مراقبت و سرپرستی اجتماعی، آن‌گونه که در حمایت دموکرات‌ها از بیمه‌های اجتماعی ظاهر شده است و این البته ناظر بر همه اجتماع است و مهاجرین را نیز شامل می‌گردد. از این حیث حمایت مهاجرین از حزب دموکرات را در چنین اصلی می‌توان جستجو کرد. ت) اخلاق به‌مثابه خوشبختی: این اصل بیان‌گر خوشبختی در حد امکان است. خوشبختی که به‌صورت ناخودآگاه به همدلی بیشتر در جامعه کمک نماید؛ ث) اخلاق به‌مثابه انصاف: اینجا منظور توزیع عادلانه کالاها (به معنای اعم کلمه است)، که مبتنی است بر توزیع برابر، مبتنی بر قانون بی‌طرف دلالیت دارد (Lakoff, 1995: 15)؛ ج) رشد اخلاقی: در این اصل اخلاق به‌صورت استعاری از حیث فیزیکی قابل درک و سنجیده می‌شود. با دقت در این اصول استعاری در بنیادهای فکری دو حزب مسلط در ایالات متحده آمریکا، با نوعی دوگانگی در عرصه اداره

1 Moral Authority
2 Moral Health
3 Moral as empath
4 Nurturant Family

کشور مواجه هستیم، زیرا در مدل محافظه‌کارانه پدر خانواده، پدر سخت‌گیر است^۱، پدری در آموزه‌ها با انضباط و با اخلاق و قدرتمند. به تعبیر لیکاف در این خانواده زن و مادر خانواده محافظت از خانه؛ پرورش فرزندان؛ حمایت از ایده‌آل‌ها و تصمیمات پدر خانواده را بر عهده دارد (Lakoff, 1996). در مقابل خانواده‌ی لیبرال و غیرسنّتی که بر اساس تربیت «خویش انضباطی فرد محور» و مسئولیت‌گرا، سامان یافته است.

۵-۱. استعاره‌ی جنگ^۲

استعاره‌ی جنگ یکی از شایع‌ترین استعاره‌ها در زبان انگلیسی است. در این استعاره، به یک قهرمان و یک دشمن شیطان‌ی نیاز است. استعاره‌های جنگ به‌طور وسیعی در سخنرانی‌ها و توییت‌های ترامپ بازتاب یافته است. به‌عنوان مثال، الف) مسائل بین‌المللی/تعارضات/جنگ هستند. او در سخنرانی انتخاباتی‌اش در مورد مکزیک‌ها و مسئله‌ی ساختن دیوار^۳ بین ایالات متحده و مکزیک گفته بود «به باور من آن‌ها دوستان ما نیستند.» آنها اقتصاد ما را می‌میرانند. کشور ما با مشکلات بسیاری دست‌به‌گریبان است. لیکن ما هیچ پیروزی در این چالش‌ها نداشته‌ایم، «وقتی شما در آخرین لحظه‌ها شنیدید که آیا چینی‌ها ما را می‌کشند؟ ... آن‌ها ما را می‌کشند» (Hines, 2016). به همین دلیل، ترامپ در قبال استعاره‌ی جنگ، از استعاره‌ی «ثروت قدرت است» به‌کرات سود می‌جوید. به نظر می‌رسد که این استعاره حتی در دوستان رئیس‌جمهور در مجلس سنا نیز رسوخ کرده است، آنجایی که رئیس جدید کمیته‌ی قدرتمند روابط خارجه سنا (باب کورکر^۴) که در هفته بعد از خروج امریکا از برجام به‌جای سناتور منندز دموکرات که از منتقدین سیاست‌های ترامپ بوده، به ریاست این کمیته انتخاب شده، در مصاحبه با خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی، بعد از طرح این سؤال که شرکای اروپایی شما با خروج امریکا از برجام موافق نیستند، پاسخ داد: ما به نظر آن‌ها احترام می‌گذاریم، لیکن ما سیستم بانکی بسیار قدرتمندی داریم که به سادگی می‌تواند تحریم‌ها را کنترل کند. (بی.بی.سی. فارسی، ۲۰۱۸/۴/۱۲). در یک کار تحقیقی که براساس تحلیل دامنه محتوایی استعاره‌های جنگ علیه داعش بررسی شده، از میان ۱۵ مفهوم استعاری مرکب از استعاره‌ی حیوانات «خشم، سفر... تاریکی، برداشت‌شده نشان می‌دهد که استعاره حیوانات نسبت به دیگر استعاره‌ها از دامنه‌ی بالاتری برخوردار بوده است (Stamenkovich, 2017:250).

1 Strick Father
 2 War metaphor
 3 Wall
 4 Senet. B. Corker(R)

۵-۲. استعاره‌ی ورزش

یکی دیگر از استعاره‌های مهم در زبان سیاسی داند ترامپ، استعاره‌ی ورزش‌ها است. به همین دلیل، در زبان ترامپ «انتخابات ریاست جمهوری» رقابت‌های ورزشی هستند. تعارضات بین‌المللی همانند بازی بسکتبال در لیگ بزرگ ایالات متحده است، لذا در این عبارت دقیقاً از واژه لیگ استفاده می‌کند و می‌گوید: ایران از عراق استفاده می‌کند. منافع بیشتر از منافع یک اتحادیه. او ادامه می‌دهد که ما شغل‌های از دست‌رفته‌مان را از چین، از مکزیک، از ژاپن و بسیاری از کشورهای دیگر، بازخواهیم گرداند. من شغل‌هامان را بازخواهیم گرداند، من پول‌هایمان را بازخواهیم گرداند. لیکن امریکا قصد دارد این بازی را ببرد (Korte, 2017). ما به رهبری نیاز داریم تا توانایی بازگرداندن شغل‌هایمان، کارخانه‌هایمان، و همچنین ارتش‌مان را داشته باشد، هیچ‌کس، (هیچ‌کس)، نخواهد توانست ایالات متحده را متوقف کند، ما داریم ضرر می‌دهیم، ما داریم ضرر می‌دهیم (تکرار دوباره جملات از سوی داند ترامپ آگاهانه است). ملاحظه کنید! ما واقعاً باید قوی باشیم. ما باید خیلی زود قوی شویم. در این گزاره ترامپ به کرات از کلمه ما (منظور وحدت من و ملت آمریکا) استفاده می‌کند. از نظر نگارنده، تکرار واژه «ما» در گفتار ترامپ آگاهانه و بعضاً زیرکانه است. برای خواننده مجدداً و به کرات جمله "پرزیدنت ملت است"، "ملت پرزیدنت است" تداعی می‌شود. او ادامه می‌دهد که «هم‌اکنون ما» یک تغییر بازی، پیش روی داریم، این تغییر بازی، سلاح‌های اتمی هستند. به همین صورت این تلقی استعاره بازی از منازعات بین‌المللی و حل و فصل آن از طریق سلاح‌های اتمی بی‌شبهت به این استعاره ترامپ که «اختلافات داخلی به مثابه یک بازی است» نیست. او در مورد رئیس‌جمهور او‌باما گفته بود شما می‌دانید، وقتی پرزیدنت او‌باما انتخاب شد، من گفتم: «خب یک چیزی که او می‌تواند انجام دهد، من فکر می‌کردم که او می‌تواند یک رهبر امیدبخش باشد، یک رهبر شاداب بزرگ برای کشور. او می‌توانست حقیقتاً باشد، ولی نبود. او یک رهبر سرزنده و امید بخش نبود. او در واقع یک نیروی منفی بود». او زیرکانه با تمرکز بر یکی از شاید مهم‌ترین میراث سیاست داخلی رئیس‌جمهور او‌باما، یعنی او‌باما کر (یا بیمه خدمات درمانی) آن را تماماً یک فاجعه خواند^۲. ترامپ در بحث سیاست خارجی در خصوص مهم‌ترین میراث دوره او‌باما یعنی توافق اتمی ۱+۵ با ایران نیز لفظ فاجعه را به کاربرد (Sabur, 2018). گرچه به زعم نویسنده‌ی دیلی تلگراف، هدف همه این اقدامات علیه ایران در برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) یک کلمه بود: او‌باما (Sabur, 2018).

1 We and they
2 Obama.care

۳-۵. استعاره‌ی تحول (تغییر)

گرچه ترامپ از این استعاره کراراً استفاده، لیکن از حیث سیستمی کمتر از خانم کلینتون آن را به‌کاربرده است. به نظر نگارنده، استعاره تحول و حرکت در ادبیات ترامپ نوعاً عاریتی بوده، چراکه اصولاً این استعاره به دموکرات‌ها تعلق داشته تا جمهوری خواهان. اما چون ترامپ تلاش می‌کند تا در قالب حزبی متوقف نشود، از کاربرد استعاره متداول دموکرات‌ها ابایی نداشته و ندارد. از این منظر، ترامپ با هویت‌زدایی از استعاره‌ی حرکت و تغییر، مجدداً آن را در قالب یک طرح‌واره بازتولید کرده است. نگاه شماتیک و استعاره‌ی ترامپ از حرکت «استعاره‌ی تاریخ ملی کشور، یک سفر است»؛ او می‌گوید: ما راه درازی برای رفتن داریم. کشور ما حقیقتاً در مسیر غلطی افتاده است... کشور ما خیلی به آن نقطه بی‌بازگشت نزدیک شده است. «۲۴ تریلیون دلار. ما به‌زودی به آنجا نزدیک خواهیم شد. آنجا همچون کشور یونان (اشاره بر نگون بختی اقتصادی کشور تاریخی یونان در زمان انتخابات است) و ما می‌خواهیم خیلی زود آنجا باشیم. پس ما با جنایت کنار نخواهیم آمد. ما نمی‌توانیم فکر کنیم که با جنایت کنار آمده‌ایم. لیکن آنها با جنایت کنار آمده بودند».

۴-۵. استعاره‌ی فقر و غنا

ترامپ از استعاره‌ی فقر و غنا آن‌جایی که باسیاست‌ها و مخالفت‌هایش در مورد دامنه‌ی مسائل اقتصادی و نتایج آن مرتبط بود، به‌کرات سود جسته است. از جمله این گزاره‌ها: «فقر بد است. فقر پایین رفتن است». ترامپ گفته بود که ما مردمی با اخلاق فاسد هستیم. «ما مردمی داریم که کشورشان را به زیر کشیده‌اند... راه کم‌ارزش، راهی که کسی قادر به تصورش نیست»؛ از آنجا که امنیت ملی در دوران ترامپ، تجارت عادلانه، اصلاح مالیاتی و رفع محدودیت‌های کسب و کار است (Efforti.Edel, 2018)؛ لذا در زبان استعاره‌ی ترامپ توانایی مادی قدرت است. او می‌گوید: «وقتی می‌شنوید که دلار (پول ملی کشور) قوی شده^۱ این خبر خوبی است. لذا فقر ضعف است / بیماری و مرگ است». ترامپ آن‌جایی که از رؤیای آمریکایی^۲ سخن می‌گوید، از این استعاره این‌گونه سود می‌جوید: ما نیاز به پول نیاز داریم. ما داریم می‌میریم^۳... رؤیای آمریکاییان مرده است، پس آمریکای بزرگ دوباره باید ساخته شود، زیرا بزرگی قدرت است. «اما اگر من به‌عنوان رئیس‌جمهور شما انتخاب شوم، بزرگ‌تر، بهتر و قوی‌تر خواهیم بود، حتی بهتر از قبل» و ما آمریکای بزرگ را دوباره خواهیم ساخت. ترامپ در نطق افتتاحیه‌ی ریاست

1 Great is Rich
2 American dream's
3 We are dying

جمهوری در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ دوباره و به دفعات همان استعاره‌ها را در سخنرانی خود تکرار کرد. او در پاراگراف دوم این سخنرانی گفت: (ما) شهروندان ایالات متحده، هم‌اکنون برای یک تلاش ملی جهت ساختن دوباره کشورمان در اینجا گردآمده‌ایم. باهم برای امریکا و جهان، برای چهار سال تصمیم می‌گیریم. ما با چالش‌هایی روبه‌رو خواهیم بود. ما به سختی تلاش می‌کنیم. برای مدت‌های طولانی یک گروه کوچک در مرکز قدرت حکومت را در اختیار داشتند، ولی مردم ما هزینه‌اش را می‌پرداختند. واشنگتن شکوفا شد اما، مردم در این شکوفایی سهمی نداشتند. «قدرت مستقر خود را حفظ کرد اما نه مردم کشور ما». پیروزی‌های آنها پیروزی شما نبوده است (Schneider, 2017). در این پاراگراف‌ها با دوگانه‌سازی واشنگتن و مرکز واشنگتن و مردم، قدرت مستقر و مردم، پیروزی گروه کوچک قدرت و مردم، مجدداً خود را در قالب مای مردم، در استعاره مرکزی رئیس‌جمهور ملت است، «ملت رئیس‌جمهور است» بازتولید کرده است. او در نطق‌های انتخاباتی خود به دفعات این جمله را تکرار کرد: ما قدرت را به مردم امریکا بر خواهیم گرداند. گرچه این بازگرداندن در عمل اقدامی نمادین و مجازی است. به همین روش؛ شکوفایی واشنگتن (منظور قدرت مرکز و افراد معدود صاحب قدرت) را در تعارض با منافع ملی می‌داند. خاصه در این گزاره که «پیروزی آن‌ها پیروزی شما نبوده»، به واقع کاربرد تأکیدآمیز «شما و آن‌ها» پررنگ کردن تعارض میان «آن‌ها و شما» است. او در پاراگراف ۱۲ این سخنرانی مجدداً تأکید می‌کند که همه چیز تغییر می‌یابد. آغازش از همین جاست. همین حالا؛ اما این لحظه‌ی شماس‌ت: این متعلق به شماس‌ت (Trump, 2017). این متعلق به همه آمریکاییان حاضر در این مراسم و همه کسانی که این مراسم را در گوشه گوشه امریکا می‌بینند. «این روز، روز شماس‌ت» این جشن شماس‌ت. و این ایالات متحده امریکا، کشور شماس‌ت. «۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ یادآور روز مردمی خواهد بود که اداره کشور را مجدداً به دست گرفته‌اند»؛ گرچه عبارت «این روز یادآور روزی خواهد بود»، از سخنرانی پرزیدنت روزولت در ۸ دسامبر ۱۹۴۱ انتخاب شده بود، لیکن استفاده مجدد از واژه دوباره در این پاراگراف، هدف مند انتخاب شده است. «زنان و مردان فراموش شده‌ی کشورمان» این فراموش شدن طولی نخواهد کشید. امروز همه گوش به تو دارند (این جمله دقیقاً به جمله قبلی مردان و زنان فراموش شده‌ی کشور ناظر است). امریکا برای فرزندان‌اش مدارس عالی، همسایگانی امن برای خانواده‌ها و شغل‌های خوب برای آنان خواهد بود. ما یک ملت هستیم. درد شما درد ما و رؤیای شما رؤیای ماست. موفقیت شما موفقیت ماست. ما دارای یک قلب مشترک هستیم، یک خانه،

یک گذشته‌ی شورانگیز و باشکوه. از نظر زبان‌شناختی و همچنین تاریخی، گزاره‌ی «ما یک ملت هستیم نشانه‌ی وفاداری و تعهد به امریکاست. ترامپ در پاراگراف ۳۵ این سخنرانی می‌گوید: گذشته گذشته است و حالا، ما فقط به آینده نگاه می‌کنیم. ترامپ در این پاراگراف به شدت از گذشته (منظور گذشته آن‌ها) انتقاد می‌کند و به صورتی کاملاً استعاری آینده‌ی شما (منظور مردم امریکا) را به تصویر می‌کشد. امریکایی که هر تصمیم‌اش در مورد تجارت، مالیات، مهاجرت، روابط خارجی و... باید برای کارگران امریکایی و خانواده‌هایشان سودمند باشد (Trump, 2017). امریکا پیروزی را مجدداً آغاز خواهد کرد. این پیروزی شباهتی به گذشته ندارد. ما شغل‌هایمان را باز پس خواهیم گرفت. ما مرزهایمان را پس خواهیم گرفت. ما سرمایه‌هایمان را پس خواهیم گرفت. و ما آرزوهایمان را پس خواهیم گرفت (ترامپ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، پاراگراف ۴۲ و ۴۳). ما جاده‌های نو خواهیم ساخت. بزرگراه‌ها و پل‌ها، فرودگاه‌ها و زیرگذرها، و راه‌آهن سراسری برای مردم فوق‌العاده‌ی امریکا. در این عبارت تکرار واژگان راه‌ها و بزرگراه‌ها، پل‌ها... تکرار عامدانه برای تأثیرگذاری است (Schneider, 2017). ترامپ می‌گوید: وقتی امریکا متحد باشد، این امریکا به نهایت غیرقابل توقف خواهد بود. کاربرد واژه‌ی غیرقابل توقف بیشتر متوجه نسل جوان امریکاست که رو به سوی آینده‌ای بهتر دارد. در این راه‌رسی نیست. ما حفاظت می‌کنیم. ما همیشه محافظت کرده‌ایم (ترامپ، ۲ ژانویه ۲۰۱۷، پاراگراف ۵۴ و ۵۵). او در پاراگراف بعدی، سه عنصر مهم در محافظت از آینده امریکاییان را مطرح می‌کند: الف) محافظت از طریق مردان و زنان نظامی‌مان؛ ب) اجرای قانون؛ پ) مهم‌تر از دو عنصر قبلی، ترامپ می‌گوید خداوند از ما محافظت نموده است (پاراگراف ۵۶). گزاره‌های پایانی ترامپ در این سخنرانی افتتاحیه، ساده اما تأثیرگذار است. «با هم برای ساختن امریکایی دوباره قدرتمند. امریکایی ثروتمند. امریکایی دوباره مغرور، امریکایی دوباره امن». او در پاراگراف‌های پایانی با استفاده‌ی مکرر از کلمه‌ی دوباره (مجدد) در همه گزاره‌ها، قوی، ثروتمند، مغرور و امن، از یک سو تلاش می‌کند که نشان دهد که امریکای امروز که او ریاست آن را برعهده گرفته، فاقد این عناصر چهارگانه مهم است (ضعیف، فقیر، بدون غرور و بدون امنیت) است. به همین دلیل، او قرار است در مقام ملت، این عناصر از دست‌رفته‌ی امریکاییان را به آنان بازگرداند. او در پاراگراف‌های اخیر استراتژی امنیت ملی امریکا در دوران خود را تدوین کرده است: مسائل اقتصادی امریکا، تجارت، استقلال انرژی و اصلاح قوانین مالیاتی در قلب سیاست داخلی او جای گرفته است، استراتژی‌ای که دقیقاً به ناسیونالیسم اقتصادی انجامیده است (Fridman, 2017). این ناسیونالیسم اقتصادی نشانگر توجه بیش از حد او به اقتصاد امریکا در

قیاس با ریاست جمهوری‌های قبلی با شعار اول امریکا است.

۶. تحلیل یافته‌های پژوهش

استیو بنن از مشاورین سابق دونالد ترامپ، در مقاله‌ای تحت عنوان «دو واژه خطرناک در ترندهای زبانی ترامپ» که در تاریخ (Bannon, 2018) در مدوبلاگ maddoblog انتشار یافته، نوشته است: «این گزاره دو کلمه است: (این) آسان است»^۱. استیو بنن می‌افزاید: دونالد ترامپ به‌عنوان یک نامزد برای بالاترین مقام در کشور، علی‌رغم عدم تجربه در حوزه‌های دولتی، به‌طور مکرر به رأی دهندگان اطمینان داد که هر چالش یک‌راه حل ساده دارد و تنها دلیلی که موجب شد کماکان این راه‌حل‌های ساده به اجرا گذاشته نشود، اداره کشور توسط مشتئی نادان^۲ است. او گفت من می‌خواهم تمام رؤیاهایی که داشته‌اید را تحقق بخشم (Bannon, 2018). ترامپ همین شیوه‌ی گفتار را در مورد رهبری کره شمالی و همچنین روز اعلان عدم تأیید تعلیق تحریم‌ها علیه ایران تکرار کرد: من هر قولی بدهم به آن عمل خواهم کرد. به تعبیر بنن، ترامپ به سادگی باور یک کودک فکر می‌کرد که داعش (isis) را بمباران خواهد کرد و آن‌ها خواهند مرد. به همین سادگی همان‌گونه که در مورد طرح بیمه‌های درمانی که از جمله میراث اوباما رئیس‌جمهور پیشین بود و جنگ تجاری علیه چین نیز چنین عمل کرد (Bannon, 2018). لیکن جرج لیکاف استاد برجسته زبان‌شناسی دانشگاه برکلی در مقاله‌ای که در اول آگوست ۲۰۱۷ به چاپ رساند، بعد از طرح مباحث نظری مهم در خصوص کار مشترک او با جانسون و اینکه: انسان با استعاره‌ها در جهان زندگی می‌کند و آگاهی انسان از اساس استعاری است. او در مورد ترامپ اعتقاد دارد که استعاری محوری و مرکزی در ناخودآگاه او، این گزاره‌ی معروف لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه است که می‌گفت: «من دولت هستم»^۳. لیکاف ادامه می‌دهد که راجر کوهن در نوزدهم ماه مه ۲۰۱۷ در مورد این استعاری لویی چهاردهم گفته بود: این در مورد ترامپ، حتی بالاتر از یک حقه‌بازی است. لیکن تحقیقی که او و جان لنگراگراز کاخ سفید به عمل آورده‌اند، نشان می‌دهد که این استعاره عملاً در دونالد ترامپ درونی شده است. استعاره درونی شده‌ی مدل پادشاه فرانسه، یعنی «رئیس‌جمهور ملت است»، همچون من دولت هستم، است. حال سؤال اینجاست که این استعاری مرکزی چه استعاره‌های دیگری به دنبال دارد؟ از جمله این استعاره‌ها این خواهد بود. «کار مقامات دولتی خدمت به دولت است»؛ در نتیجه، امنیت ملی به امنیت

1 It's Easy

2 Idiot

3 Louis XIV defrance(1638-1715)...LETat Cest moi Iam the state

رئیس جمهور مبدل می شود (Lakoff, 2017). به همین دلیل، در کتاب جدیدی که از کومی ریاست برکنار شده ی اف. بی. آی تحت عنوان «تعهدی بالاتر» که در تاریخ ۲۰۱۸/۴/۱۱ رونمایی شده، نشان می دهد که داند ترامپ از کومی خواسته بود، به او وفادار باشد. این کتاب و جزئیات آن گرچه انتقادهایی از جمله این که کومی چرا حالا که از ریاست اف بی ای برکنار شده، مطالب کتاب را در معرض افکار عمومی گذاشته است؟ و انتقاداتی از این دست نشان می دهد که چگونه استعاره ی مرکزی در ناخودآگاه ترامپ، همان رئیس جمهور یعنی ملت/کشور، تداعی کننده ی من دولت هستم لویی چهاردهم پادشاه فرانسه است. با دقت در سخنرانی ها و توئیت های داند ترامپ مشاهده می کنیم که او از یک تکنیک لغوی غیرمعمول استفاده کرد تا رأی دهندگان آمریکایی را جذب کند. بنابراین شواهدی وجود دارد که نشان می دهد این زبان همان زبان واقعی پوپولیسم است^۱ (Casidy, 2018). او در مورد ساختن دیوار- منظور دیوار حائل میان مکزیک و ایالات متحده- می گوید: «دیواری که او خواهد ساخت دیواری زیباست». دیواری که در شروع سال میلادی ۲۰۱۹، همزمان با آغاز به کار گنجره ی با رأی اکثریت دموکرات ها، موجب تعطیلی نیمی از دولت فدرال شده است.

او حتی رهبری کره شمالی را به حمله ای با آتش و خشم^۲ تهدید می کند. لیکن بعد از ملاقات با رهبری کره شمالی در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ از کیم، رهبر کره به عنوان فردی بسیار باهوش یاد می کند (از نظر نگارنده، زبان استعاری ترامپ اشاعه ی کاربرد زبان خصوصی در حوزه عمومی است). از این نظر، با زبان خود ترامپ می شود او را بهتر شناخت. گری نان (Nunn) در مقاله ای تحت عنوان «داند ترامپ را به زبان خودش بفهمید» (واژگان پیروز^۳) که در مورخه ۹ فوریه ۲۰۱۸ در گاردین به چاپ رسیده، خطوط اصلی زبان ترامپ را این گونه دسته بندی می کند:

۶-۱. خودستایی^۴

داند ترامپ به شدت برواژگان سوپر نچرال ها (فرا/ فوق طبیعی) متکی است. او با استفاده از این ویژگی زبانی ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح می کند. او تنها به دنبال چیزهای عجیب و غریب نیست، بلکه به دنبال چیزهای شگفت انگیز، فوق العاده و بهترین است. این واژگان بسیار در سخنرانی ها و توئیت های او دنبال می شود. این همان زبان رؤیای آمریکایی است که به آرامی می تواند به کابوس مبدل شود. به همین دلیل، باب کروکراز ترامپ با عنوان ریاست جمهوری

1 A Higher Loyalty. (2018)
2 Peopulism
3 FIER AND FURY
4 Winnig words
5 Braggadocic

ناپایدار که می‌تواند امریکا را به جنگ سوم جهانی سوق دهد، یاد کرد (fridman, 2017).

۲-۶. دوقطبی^۱

همان‌گونه که در سخنرانی افتتاحیه ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ نشان دادیم، او این دوقطبی را با طرح دو واژه‌ی «ما و آن‌ها» در سیاست داخلی استفاده می‌کند (از ما در قبال واشنگتن - گروه کوچک قدرت در واشنگتن دی.سی - که به تعبیر ترامپ این گروه کوچک، تاکنون خود را خوب حفظ کرده اما مردم امریکا را نه) و در سیاست خارجی از دوقطبی: یا شما بخشی از غرب یهودی / مسیحی هستید یا یک مسلمان خرابکار تروریست و یا شما آمریکایی قانونی هستید یا غیرقانونی. او آشکارا از این دوقطبی‌های مشهود تبعیت کرده است. گرچه در سخنرانی افتتاحیه از غلظت این دوقطبی «ما و آن‌ها»، آنجایی که از وحدت جامعه امریکا سخن می‌گوید، کاسته است. لیکن انتخابات میان دوره‌ای مجلس سنا وکنگره برای تصاحب ۳۵ کرسی سنا و ۴۳۵ صندلی مجلس نمایندگان در ۶ نوامبر ۲۰۱۸ نشان داد که چگونه جامعه امریکایی به ویژه از حیث نژادی، جنسیتی و سنی به شدت دوقطبی شده است (Ballotpedia, 2018).

۳-۶. اغراق و مبالغه^۲

ترامپ از نظر شخصیتی به اغراق و مبالغه مبتلاست. این را مخصوصاً وقتی در مورد یک کشور مانند سوریه، افغانستان، کره شمالی و اخیراً در مورد ایران به کار برده، جالب توجه است. به عنوان مثال، در مورد کره شمالی از آتش و خشم، در مورد سوریه نابودی تمام، در مورد طالبان افغانستان از مادر بمب‌ها و در مورد ایران اقدامات غیرمنتظره و سهمگین استفاده کرده است. برخی از محققین روابط بین‌الملل، این نوع زبان را زلزله‌ای در سیاست خارجی عنوان کرده‌اند؛ به گونه‌ای که رقیب او، هیلاری کلینتون، از ترامپ با عنوان ناسازگار خطرناک یاد کرده است (Walt, 2018).

۴-۶. ایپیفیزم^۳

ایپیفیزم یا اعتمادبه‌نفس در ترامپ آشکار است. او چنان حرف می‌زند که انگار همه چیز قابل حل است. او در مورد برنامه‌ی هسته‌ای کره شمالی و یا در مورد داعش همین اعتمادبه‌نفس (البته به درجه‌ای کاذب) را دنبال می‌کند. همان‌طور که استیو بنن، مشاور

1 Binaries
2 Hyperbole
3 Euphemisms

سابق ارشد رسانه‌ای ترامپ که در ۱۸ اوت ۲۰۱۷ از هر دو سمت‌اش در کاخ سفید برکنار شد، از دو واژه خطرناک در ادبیات ترامپ پرده برمی‌دارد- «آسان است»^۱- به نظر نگارنده نیز این ویژگی اعتمادبه‌نفس بالا می‌تواند جزو مهم‌ترین عوامل موفقیت ترامپ و همچنین پاشنه آشیل سیاست‌های او خصوصاً در سیاست خارجی در قبال قدرت‌های بزرگی چون روسیه، جنگ تجاری و تعرفه در قبال چین و همچنین منازعه منطقه‌ای با ایران باشد. لیکن بعد از ملاقات و سپس امضای یک تفاهم‌نامه با رهبری کره شمالی در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۸، نه‌تنها از این اعتمادبه‌نفس کاسته نشده، بلکه بر میزان آن افزوده شده است. این ارتقای ایفیزیم در عباراتی که علیه ایران در صورت غنی‌سازی بیان کرده، نشانگر این اعتمادبه‌نفس کاذب در اوست.

۵-۶. جملات نیمه‌تمام^۲

ترامپ استاد جملات و گزاره‌های نیمه‌تمام است. کارویژه‌ی جملات نیمه‌تمام، نه‌تنها نوعی لکنت زبان نیست، بلکه کاربرد تقلیدآمیز نوعی از الگوی طبیعی گفتگوست. به نظر نگارنده، این ویژگی زبان استعاری ترامپ را می‌شود با همان الگوی کاربرد زبان خصوصی و پرشور و اعتمادبرانگیز در حوزه عمومی تفسیر کرد. از نگاه نگارنده، کاربرد زبان حوزه عمومی در حوزه خصوصی از ویژگی‌های رهبران پوپولیسم است (Huston, 2017). از نگاه سوزان هیوستون، زبان ترامپ طوری طراحی شده که با غیرسیاست‌مداران هماهنگ شود تا نمایش‌گریک انسان معمولی باشد (Huston, 2017).

۶-۶. تکرار^۳

از دیگر خصوصیت مهم زبانی ترامپ، استفاده از تکنیک تکرار است. این تکنیک گرچه نوعی تبادربه تأخیر در سخنرانی است، لیکن به او این اجازه را می‌دهد تا جملات بعدی خود را انتخاب کند. او در مورد نیویورک تایمز گفته بود: «این اشتباه است. آنها اشتباه می‌کردند. آنها همیشه در اشتباه هستند. آنها در اشتباه بودند». این تکنیک آنافور یعنی استفاده متوالی از یک جمله یا عبارت همچون واژه اخبار جعلی^۴، کراراً در سخنرانی‌ها و توئیتهای ترامپ تکرار می‌شود. واژه دوباره، بارها و بارها در سخنرانی افتتاحیه در ژانویه ۲۰۱۷ به کار رفته است (Trump, 2017).

1 Its Easy
2 Half-finished sentences
3 Anaphora
4 Fake NEWS

۶-۷. افعال^۱

فعل‌های مورد استفاده‌ی ترامپ در قیاس با زبان کلینتون، رقیب انتخاباتی‌اش در حزب دموکرات که بیشتر متمرکز بر واژگانی چون امید، حمایت و تلاش است، آکنده از از دست دادن، پیروز شدن، توقف، جنسیت و نژادپرستی است.

۶-۸. غیریت‌سازی مبالغه‌گرا

این استعاره در استعاره‌های ترامپ، با عنوان ما و آن‌ها (شما و آن‌ها)، آنجایی که با قرار دادن واشنگتن دی سی به عنوان غیر (غیرخودی در داخل) (معدودی در کاخ سفید که فقط به فکر خودشان هستند) یا قرار دادن مردم در مقابل آن‌ها و همچنین قراردادن مسلمانان به عنوان (غیرخارجی) خارجی‌هایی که باید از ورودشان به کشور جلوگیری کرد (قانون مهاجرت) نمود می‌یابد. تحقیقی که کاترینا آنیکویا در دانشگاه گنت در مورد استعاره‌های مهاجرت نزد ترامپ و کلینتون انجام داده، نشان می‌دهد که مهاجرت نزد این دو رقیب با چهار استعاره به کار رفته است. کلینتون از استعاره‌های آب، تهاجم، بیگانه و ظرف استفاده کرده است. حال آنکه ترامپ از مهاجرت با استعاره‌های تهدید، مجرمان و بیگانه به کرات استفاده کرده است (آنیکویا، ۲۰۱۸). بنابراین اگر برای مسلمانان از دیواری با نام قانون مهاجرت سود می‌جوید، در مورد مکزیکی‌ها از واژه‌ی «دیوار بلند بتونی» استفاده می‌کند. از منظر سیاست داخلی، دیوار تأکیدی است بر ملی‌گرایی تهاجمی ترامپ، بازگشت به حاکمیت ملی در مقابل جهان خصمانه (مستر، ۲۰۱۷). او حتی ۱۹ ماه مه ۲۰۱۸ برای لاتین‌تبارها از واژه‌ی «حیوان» استفاده کرد^۲؛ استعاره‌ای که قبلاً برای رئیس‌جمهور سوریه در مورد سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده بود (واتکینز، ۲۰۱۸). در مورد ایران نیز با خروج یک‌جانبه‌ی ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال مجدد تحریم‌ها در ۴ نوامبر، جنگ زبانی و لفاظی در بالاترین سطوح میان دو کشور شدت یافته است. محتوای این جنگ‌های زبانی از حیث نوع، غلظت استعاره‌های کاربردی طرفین محاصمه زبانی، نشانگر بحرانی‌تر شدن روابط ایران و آمریکا و وقوع اتفاقات غیرمنتظره است. از این جهات، شناخت ساختار زبان سیاسی ترامپ وجهت‌گیری‌های این زبان ضروری به نظر می‌رسد.

1 Verbs
2 Animals

نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش کرده تا به این سؤال پاسخ دهد که استعاره‌های اصلی در زبان‌شناسی سیاسی ترامپ کدام‌اند؟ همچنین این استعاره‌ها از حیث محتوا و سنت فکری چه تأثیری بر سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده برجای می‌گذارند؟ حاصل این پژوهش نشان می‌دهد:

۱. به طرز غیرقابل‌انکاری عرصه‌ی سیاست آکنده از استعاره‌هاست و علاوه بر این، روند استفاده از استعاره‌ها در سیاست روندی روزافزون است. همان‌گونه که جرج لیکاف در کتاب «فکر نکنید یک فیل هستید» (Lakoff, 2004) نشان داده، محافظه‌کاران (منظور حزب محافظه‌کار ایالات متحده) قدرت بیشتری در تولید استعاره‌هایی دارند که بیشترین مخاطب را به همراه داشته باشد (Lakoff, 2004). از این نظر، ترامپ از این قاعده مستثنی نیست. از نگاه لیکاف، ساختار معنای استعاری، درک و فهم انسان را شکل می‌دهد و تأثیر آن ایدئولوژیک است (بیلینگ و مک میلان، ۲۰۰۵: ۴۷۷). یک اصطلاح استعاری در سیاست به درجه‌ای تأثیرگذار است که می‌تواند معنای لفظی واژه را به کلی تغییر دهد (لیکاف و ترنر، ۱۹۸۹). تعبیری که لویی آلتوسر، فیلسوف ساخت‌گرای فرانسوی، از ایدئولوژی با ویژگی فراخواندن نام می‌برد؛ آن‌گونه که با صدای پلیس ناچارید که به عقب برگردید (معینی، ۱۳۸۵: ۲۸). از نظر نگارنده، هدف اصلی در کاربرد استعاره‌ها در عرصه سیاست، اخلاقی نشان دادن دامنه‌ی مفهومی واژگان است؛ به نحوی که از الفاظ هویت‌زدایی می‌شود. فرایندی که در نوع خود با افزایش دامنه‌ی همدلی می‌تواند به پوپولیسم منجر گردد؛ چراکه این همدلی اخلاقی در نهایت باید به جلب آرای عمومی در عرصه سیاست ختم شود. به نظر نگارنده، در یک فرمول ساده، در عرصه سیاست، استعاره‌هایی مؤثرتر و کارا تر هستند که بیشترین مخاطب را داشته باشند.

۲. از حیث مبانی فکری، استعاره‌های ترامپ ریشه در مبانی فکری محافظه‌کاری کلاسیک و پدرسالار دارد. از این نظر، استعاره‌ی پدر سخت‌گیر، مبتنی بر شخصیت پدرسالار با محوریت اخلاق محافظه‌کارانه، در مورد داند ترامپ قابل قبول به نظر می‌رسد.

۳. وجه غالب زبان داند ترامپ استعاری است. علاوه بر این، استفاده‌ی او از این زبان استعاری، ترکیبی است، همراه با کنایه‌های بازگشتی و به شدت آنافوریک^۱. مفهومی که در

زبان ترامپ به طرز فزاینده‌ای به این ویژگی انافوریک دامن می‌زند، تمرکز بر نگرانی‌ها است. مهم‌ترین این واژگان مبتنی بر نگرانی‌ها عبارت‌اند از:

(الف) آسیب‌پذیری: ترامپ به سادگی با دست‌کاری موضوع و با بزرگ‌نمایی، از آن برای پیشبرد اهداف خود سود می‌جوید.

(ب) از دیگر موارد نگرانی‌ها، بی‌عدالتی است. به تعبیر نگارنده، ترامپ بی‌عدالتی در ایالات متحده را به رسمیت می‌شناسد.

(ت) مفهوم نگران‌کننده‌ی دیگر، فقدان اعتماد یا بی‌اعتمادی است. به همین دلیل می‌گوید: مردم آمریکا به چیزی جز حقیقت مباحثات نخواهند کرد.

(ث) مفهوم دیگر، برتری است. او با کار برد مکرر این مفهوم با این سؤالات مردم آمریکا را به قضاوت فرامی‌خواند که جایگاه ما در میان دیگر ملل از حیث هوش، قد و قامت و موقعیت و ارزش‌ها و جاذبه‌ها کجاست؟ لذا شعار ساختن دوباره‌ی آمریکایی بزرگ، تنها با ملموس نمودن این نگرانی‌ها امکان‌پذیر است.

(ث) مفهوم مهم دیگر «درماندگی» است. او به‌دفعات این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ما قادر به کنترل چیزهایی که تهدیدمان می‌کند، هستیم؟ پرواضح است که این حس درماندگی جمعی یک مانع جدی برای بسیج سیاسی است. لذا به‌کرات از قابلیت‌های خود ستایش می‌کند (CNN, 2018). او می‌گوید: زندگی من برنده شدن است. «فقط من می‌توانم این نظام را بازسازی کنم. من با شما هستم. من برای شما برنده می‌شوم». از نظر نگارنده، استعاره‌های ترامپ استعاره‌هایی نومیدگرا و متکی بر نگرانی‌هاست. از نظر سبک زبان و نحوه‌ی گفتار، زبان دانلد ترامپ قابل قیاس با زبان چرچیل و روزولت است. در قیاس با وینستون چرچیل، زبان ترامپ شباهت قابل توجهی با زبان چرچیل در زمان جنگ دارد، گرچه پژوهشگری با طرح این سؤال که آیا دانلد ترامپ هیتلر است؟ با رد شباهت ترامپ به هیتلر، او را با موسولینی (دوچه) مقایسه کرده است. از این جهات، غلبه‌ی زبان جنگی در ادبیات ترامپ و استعاره‌های رایج دوران جنگ، شاید نشان از یک دوره پرآشوب و حتی جنگ گرم داشته باشد.

از حیث درجه‌ی تاثیر این استعاره‌ها بر سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده، چنین به نظر می‌رسد که کاربرد این استعاره‌ها در سیاست داخلی منبعث از سنت محافظه‌کاری با استراتژی امنیت ملی ترامپ هم‌خوانی دارد: تأکید بر تجارت عادلانه، اصلاحات مالیاتی و رفع

محدودیت‌های کسب و کار. در یک کلام، «ناسیونالیسم اقتصادی» باشعار «اول امریکا». این ناسیونالیسم اقتصادی از حیث درجه‌ی تأثیر بر رقبا و حتی هم‌پیمانان، نوعاً ناسیونالیسمی عصبی و بعضاً تهاجمی است که بر بازگشت به حاکمیت ملی برای حفظ شهروندان امریکایی از طریق حفظ صلح به واسطه تقویت ارتش قدرت‌مند متکی است (Korte, 2017). از حیث تأثیر این استعاره‌ها در سیاست خارجی به واسطه استعاره‌ی «اول امریکا»، به نظر می‌رسد که ایالات متحده در روابط جهانی مسیری ضدجهانی شدن در پیش گرفته است (Brand, 2017). ابرقدرتی غیرمعمول که حتی آینده‌ی لیبرال دموکراسی جهانی را به مخاطره انداخته است (Stokes, 2018)؛ ابرقدرتی که در طول یک سال گذشته با «گفتمان خروج یکجانبه» از پیمان‌ها، از مهم‌ترین پیمان‌های بعد از جنگ دوم جهانی (پیمان تجارت جهانی، ممنوعیت سفر و مهاجرت، منازعه بر سر هزینه‌های ناتو با اعضای ناتو، خروج از پیمان تغییرات اقلیمی پاریس، خروج از پیمان نفتا با کانادا و مکزیک، خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ایران، روسیه، چین و قدرت‌های اروپایی، از امریکا ابرقدرتی تنها و منزوی ساخته است (Dorell, 2018)؛ سیاستی که درمورد اروپائیان، نشانگر پوسیدگی روابط ترانس آتلانتیک امریکاست؛ سیاستی که اعضای اتحادیه اروپا را برآن داشته تا آرام آرام، با درک شرایط پیش رو، سیاست پسا‌امریکایی را رزمه کنند (Sapiro.pardijid, 2018)؛ بازتعریفی جدید از جایگاه امریکا در جهان (Edwards, 2018) که در نوع خود با آوازی نادرست از جهانی شدن بر پایه بازگشت به ناسیونالیسم در مقایسه با انترناسیونالیسم امریکایی، قدرت نرم قابل تحسین امریکا به‌عنوان محرک خارجی برای رفتارهای غیراجبارآمیز جهت رسیدن به اهداف ژئوپولیتیک را که ستون پنجم ایدئولوژی واشنگتن بوده، ویران کرده است (Meredith, 2018)؛ این زبانی است که می‌تواند جهان پیش روی ما را تغییر دهد. لذا پیشنهاد می‌شود، با توجه به گستره‌ی تأثیرات این زبان در روابط بین‌الملل و همچنین افزایش تنش زبانی میان ایران و امریکا در ماه‌های اخیر، استراتژی‌ها و مکانیزم‌های این زبان از سوی دانشوران عرصه‌ی سیاست و نیز سیاست‌مداران به جدیت مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

منابع

الف) منابع فارسی

- آئینه وند، بهزاد. (۱۳۹۰). *بررسی انتقادی-شناختی پدیده‌ی استعاره درگفتمان سیاسی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- اسلامی، سعید. (۱۳۹۵). *داند ترامپ: شیر یا روباه، روزنامه شهروند*، شماره ۱۰۲۵-۱۳۹۵/۱۰/۰۸.
- اسلامی، سعید. (۱۳۹۶). *داند ترامپ: برنده نبرد بازنده جنگ، روزنامه همدلی*.
- برونوفسکی، مازلیش. (۱۳۷۹). *تاریخ روشنفکری در غرب*، ترجمه لی لا سازگار، تهران: نشر اگه.
- تاگارت، پل. (۱۳۸۱). *پوپولیسیم*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آشیان.
- جهانگیری، جهانگیر؛ فتاحی، سجاد. (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم، مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۵، شماره ۳، پاییز، صفحه ۲۳-۴۷.
- جینز، جولیان. (۱۳۸۲). *خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دو جایگاهی*، ترجمه پارسا نیلی پورو دیگران تهران: نشر مرکز.
- ریکور، پل. (۱۳۹۵). *نقش استعاره‌ها*، ترجمه حسین نقوی، تهران: نشر آگه.
- شیرین‌پور، ابراهیم. (۱۳۹۵). *نقش استعاره تصویری در تحلیل انتقادی کلام: مطالعه کاریکاتورهای سیاسی، مجله زبان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان.
- کافمن، سارا. (۱۳۸۵). *نیچه واستعاره*، ترجمه لیلا کوچک منش، تهران: نشر گام نو.
- کوحش، زولتان. (۱۳۹۶). *استعاره‌ها از کجا می‌آیند*، ترجمه مصحح جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: نشر آگه.
- لارنس ترسک، رابرت. (۱۳۸۰). *مقدمات زبان‌شناسی*، ترجمه فریار اخلاقی، تهران: نشر نی.
- معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۵). *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست*، تهران: دانشگاه تهران.
- میسن، گولی. (۱۳۸۲). *رولان بارت*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.

- نیلی پور، رضا. (۱۳۸۰). *زبان شناسی و آسیب شناسی زبان*، تهران: هرمس.
- نیلی پور، رضا. (۱۳۸۰). *فرهنگ آسیب شناسی زبان*، تهران: دانشکده بهزیستی و توان بخشی.
- نیلی پور، رضا. (۱۳۸۳). *نوام چامسکی*، تهران نشرناهیید.
- یورگنسن، ماریان فیلیس. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.

ج) منابع انگلیسی

- Anikeeva, Ekatrin. (2018). **Methaphors of Migration in U.S Presidential campain Speech**, Gent university.
- The Conversation. (August 2016). **Donal trump's Chaotic use of Methaphor is a crucial part of his Appeal**, Queen mary University of London, available at: <https://theconversation.com:Hines.Andre>
- Balk, R. (2015). *Once again: There is no 'war on cops.'* **And those who claim otherwise are playing a dangerous game**, **The Washington Post**, Retrieved 12 July 2016. Available at: <https://www.lahotar.com>
- Banno, S. (2018). **The Two most dangerous in trump Vocabulary**, Raachel, Maddow Show
- Benjamin, J. (2011). *State of reason and Reason of state*, **Langue and Dialogue**, Vol. 1. 2 (2011). pp. 266-290
- Brands, Hal. (2018). *The Unexceptational Supre Power: American Grand Strategy in the Age Of Donald trum*, **Global Politics and Strategy**. Vol 59. 2017-issue6. Pages7-40
- Burgers, Christian. (2017). **The Effects of Metaphorical framing on political Persuasion: a systematic literature Review**.
- Campbell, p. n.1957). *Metaphor and linguistic Theory*, **The quarterly Journal of speech**, Vol .61. N.1 feb. 1957 (3/2/2018); 11. Available at: <https://www.Newyorker.com>.
- Cassidy, John. (2017). *Exposed: Donald trump. Shams Populism*, **New Yorker**, Mar.10.

reasons of state, the Book Press, Bratteldbor. Chomsky, N. (1970). **for** vermont.USA

Clinton, U. R. (2017). **What Happened**, Simon Scuster.

Comy, J. (2017). **A Higher Loyalty truth lies and leadership**, MCmil-lan publishers

Derk, Thompson. (2018). *Donald trump language is reshaping Amer-ica politics*, **Atlantic**, feb.n.5 .feb.15.2018 .

Dorell, Oren. (2018). *Trump's Forign Policy Often put America First And Alone*, **USA TODAY**, Available at: [https:// www.yourdictionary-glassy](https://www.yourdictionary-glassy). **Donald Trump's 20 Most Frequently used Words**: Your dic-tionary Glassy

Campbell, p. n. (1957). *Metaphor and linguistic Theory*, **The quarterly Journal of speech**, Vol. 61. N.1 feb. 1957 (3/2/2018); 11) –Donald.

Hellestn, Iian. (2002). **The Politics of Metaphor**, Biotechnology and Temper university press :Biodiversity in the Media

Edwards, A. Jason. (2018). *Make America Great Again, Donal trump Redifning The U.S Role in The World*, **Communication Quarterly**, volum 66. 2018-issue2: Rethoric in The 2016 Presidential Election.

Edel, Charls. (2018). *How to conter chinas Influence in the South Pa-cific (the U.S and it's Alies need to coordinate their Effort's*, **Foreign Affairs**, nov'13 .2018.

Fedja, B. (2017). *Trump's not Hitler, he's Mussolini: How GOP anti-in-tellectualism created a modern fascist movement in America*, **Salon**, N. p. n.d. Web. 24 Apr. 2017. Available at: <https://www.theatlantic.com>

Fridman, Uri. (2017). *What's Dangerous About Donal trump Forign Policy?*, **Atlantic Global**, nov'26.

Gogolak, Emily. (2018). *Border Policy is Creating Chaos*, **Forign Af-fairs**.

Hines, Andrew. (2016). *Donal trump's Chaotic use of Methaphor is a ,crucial part his Appeal*, August2

Huston, Susan. (2017). **Donal trump and Language of Popolism**, Bir-mangam university. <https://www.revoly.com>.
<https://revoly.com>

James, F. Childress. (2016). **The War Metaphor in Public Policy**, 23may, available at: <https://medium.com/@jeffrschneider> .

Schinde, J. (2017). **Rhetorical Devices in the Donald trump Inauguration speech**, jan.20.

Jonathan, A. (2016). *The Populist Explosion' Dissects the History of the Anti-Elite Worldview*, **The New York Time**07 , Oct. 2016, Web. 24 Apr. 2017.

Hellesten, IINa. (2000). **The politics of Metaphor**, Biotechnology and Biodiversity in the Media: temper University Press.

Kirk, Rusel.1987)). *The Conservative principles, the heritage Foundation*, jan 7.

Korte, George. (2017). *Trump's America First national security Strategy Emphasized Economic Competitiveness*, **ATLANTIC**, dec18.

Lakoff, G. (2004). **Don't Think of an Elephant: Know Your Values and Frame the Debate** :Chelsea Green Publishing. ISBN978-1- .931498-71-5

Lakoff, G.; Mark Johnson. (1980.2003). **Metaphors We Live By**, University of Chicago Press. 2003 edition contains an 'Afterword'. ISBN 978-0-226-46800-6.

Lakoff, G. (2001). **Moral Politics: How Liberals and Conservatives Think**, University of Chicago Press. ISBN 978-0-226-46771-9.

Lakoff, G. (2009). **The Neural theory of Metaphor**, cambridge University.

Lakoff, g. (2017). **The central Trump Metaphor**, August1.2017. (CNMSBrekly.edu.)

Marcos, S. (2017). **By Tweet And By Seech**, Honors Thesis: san marcos, texas.

Maste, R. MC.; Cohen, Gary. (2017). *America first.Dosen't mean America Alone*, **Wall Street Journal**, 30may. Available at: <https://www.cnbc.com/>

Meredith, Sam. (2018). *One year in office. How Donald trum shaped U.S.Foreign policy*, **CNBC**, 19jun.

Moor, R. (2018). **Candidacy Rhetoric in the Rise of The Donald and its Relation to Populist and Fascist Ideology**, Claremont McKenna College, available at: <https://www.theguardian.com>

Nunn, G. (2018). **Donald trump, Mind your language**, Winning Words, **The Guardian**, feb9.

Chung, Liu. (2016). **Reviewing the Rhetoric of Donald Trump's Twitter of the 2016 Presidential Election**, Chang Liu. Master thesis, 15 hp Media and Communication Studies: Fredrik Stiernstedt International/ .intercultural communication Spring 2016

Robert, a. Moorc. (2017). **Rhetoric in the Rise of 20 Candideny 17 downald trump**, 9senior theses 1548 in clarmont colleges. Available at: <https://www.telnewsgraph.co.uk>.

Sabur, Rozina, B.; Riel, Smmith. (2018). *Donald trump announces Withdrawl from Iran nuclear deal*, **The Telegraph**, 9may.

Sanders, Elizabeth.(2018)). *Is trump A normal Foreign Policy president?* **Forign Affairs,European Concl On Foign Relations**, jan18.

Siapera, E. (2010). **Cultural diversity and global media: the mediation of difference** Chichester.

Stamenkovich, Ijan. (2017). **Stamping on ISIS: Methaphorical Expressions about Trrorism in Donal trump campaign speeches**, Facta .university, vol. 15.pages. 254-262.

The power of worlds leadership.2017)). **Metaphor and story**. Forest heather (Annual International leadership Association (ILI) conference 2-5 Nov2006 ,. Chicago (heather@ storyarts.org

Trump, D. Shartzc, T. (1987). **The Art Of The Deal**, Random House, Nov1,

Valida, karimova. (2016). **Functions of metaphor in political discourse**, kazar University.

Walt, S. M. (2018). *Trumps sound and fury has signified nothing*, **Forign affairs magazine**, 30 jan.